



دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد تهران مرکزی  
دانشکده حقوق

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)  
گرایش: حقوق بین الملل

عنوان:

نقش اتحادیه عرب در حفظ صلح و امنیت بین الملل

استاد راهنما:

دکتر منصور وفایی

استاد مشاور:

دکتر منصور جباری

نگارش:

خلیل ملکی

زمستان ۱۳۹۰



*ISLAMIC AZAD UNIVERSITY  
CENTRAL Tehran branch  
Faculty of Law – Department of  
International law group  
Law M.A thesis  
International law*

**Subject:**

*The role of Arab Union international peace and security*

**Advisor:**

*Dr. Mansoure Vafaye*

**Reader:**

*Dr. Mansoure Jabbari*

**By:**

*Khalil Maleki*

*Winter 2012*

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.

## فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱.....	چکیده
۲.....	فصل اول – کلیات
۳.....	مقدمه
۳۹.....	فصل دوم: سازمانهای بین قاره ای
۶۰.....	فصل سوم: سیاست ها و اقدامات حقوقی
۷۳.....	اول: طبیعی بودن وضعیت نابسامان فعلی اتحادیه را امری
۷۴.....	دوم: دولت های دیکتاتور و محافظه کار اتحادیه عرب
	سوم: وجود اختلافات کلان سیاسی از مشکلات ارضی و مرزی فی مابین کشورهای
۷۴.....	عضو
۱۹۱.....	فصل چهارم: نتیجه گیری

١٩٥ ..... منابع

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.

## چکیده

سازمان ها و مجامع بین المللی یکی از تابعان اصلی و فعال حقوق بین الملل هستند که برای پاسخگویی به نیازهای مختلف جوامع انسانی در خارج از چارچوب فعالیت دولتها بوجود آمده اند .

برقراری صلح و امنیت بین المللی و ایجاد همکاری های سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی از اساسی ترین نیازها و دیرینه ترین آرزوهای بشر بوده است . اما در این رابطه پیشبرد اهداف صلح بین المللی و رفاه عمومی جهانیان بدون تشکیل نهادهایی که این اهداف را دنبال کنند میسر نبوده است .

پیدایش سازمان های بین المللی به معنی امروزه به زمان ظهور و پیدایش و استقلال ملل برمی گردد . با پیدایش سازمان های بین المللی به معنی امروزه به زمان ظهور و پیدایش و استقلال ملل برمی گردد . با نگرش به پیدایش و استقلال ملل در قرون گذشته به ویژه بعد از قرن هجدهم و با افزایش تدریجی روابط و همکاری های مشترک میان ملت ها کشورهای دارای استقلال و نوظهور ضرورت تشکیل سازمان های بین المللی و در این رابطه وضع قوانین و مقررات بین المللی احساس شد و به انجام اقدامات در این زمینه مبادرت گردید .

پدیده ی سازمان ها و مجامع بین المللی که از شاخص های مهم جامعه بین الملل معاصر است ، امروزه مورد توجه تمامی کشورها بوده و این کشورها فعالیت های آنها را از طریق وسایل ارتباط جمعی دنبال می کنند .

شایان ذکر است که تقویت ظرفیت ها و توانمندی برای نیل به اهداف توسعه ای هزاره ، ارتقاء حکمرانی خوب ، بهبود عملکرد و مدیریت اقتصادی و افزایش اشتغال توسعه پایدار و مدیریت بلایای طبیعی و کارایی انرژی و تسهیل انتقال علوم و فناوری جدید در کلیه زمینه های همکاری از اولویت های آتی همکاری جمهوری اسلامی ایران با سازمان ها و مجامع منطقه ای و بین المللی به ویژه آژانس های ملل متحد می باشد . بر این اساس و با توجه به اهمیت این سازمان ها و مجامع در حفظ صلح و امنیت جهانی و کسب منافع ملی و با هدف آشنایی هرچه بیشتر با ساختار ، ارکان ، اهداف ، فعالیت ها ، امکانات ، آخرین تحولات و چالش های عمده و نقش جمهوری اسلامی ایران در سازمان ها و مجامع بین المللی و منطقه ای به ویژه اقتصادی – بازرگانی به منظور استفاده بهینه از فرصت ها ، امکانات و تجربیات بین المللی ، اینجانبان را بر آن داشت تا نسبت به تهیه این نوشتار و ارائه آن در دوره های آموزشی ذیربط اقدام نمایم .

در این نوشتار که هدف اصلی آن معرفی سازمان ها و مجامع بین المللی به ویژه اقتصادی – بازرگانی است ، به موضوعاتی همچون تعریف ، تاریخچه ، ریشه ها و انگیزه تشکیل سازمان های بین المللی از جمله سازمان ملل متحد و سازمان های تخصصی وابسته به آن ، چارچوب همکاری توسعه ای سازمان ملل متحد در ایران (UNDAF) ، کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل در آسیا و اقیانوسیه (ESCAP) ، برنامه عمران ملل متحد (UNDP) ، اتحادیه اروپا (EU) ، آژانس همکاریهای بین المللی ژاپن (JICA) ، بانک جهانی (Word Bank) ، صندوق بین المللی پول (IMF) ، بانک توسعه اسلامی (IDB) ، سازمان جهانی تجارت (WTO) ، سازمان همکاریهای اقتصادی (ECO) ، کشورهای گروه D-8 ، و سازمان بهره وری آسیایی (APO) پرداخته می شود .

فصل اول :

کلیات



## مقدمه

امروزه بر اثر جهانی شدن همه انسان ها یک خانواده واحد شده اند . یک سری مسائل هم در سطح جهان مطرح است که مقدمات زندگی صلح آمیز انسان ها در دنیا با یکدیگر محسوب می شود . حقوق بشر ، مسائل اقلیت ها و عدالت اجتماعی مسائلی هستند که اگر به آنها توجه نشود ملت ها نمی توانند در صلح و مسالمت زندگی کند . وقتی دنیا نمی تواند در صلح و مسالمت زندگی کند ما هم از نزاع هایی که در دنیا هست و پا به پا خواهد شد بهره منفی خود را خواهیم برد و می بریم. گرفتاری در جامعه ایران بیشتر از پاره ای از کشورهای اسلامی دیگر است . پاره ای از کشورهای اسلامی به دلیل تبادلاتی که در آنها است کمتر این نقص را دارند . وقتی نواندیشان دیگر کشورهای اسلامی درباره این مسائل مطلب می نویسند به بعد جهانی این موضوعات نیز توجه دارند . برای اینکه وارد بحث شویم اول یک مقدار درباره صلح صحبت می کنم .

تاریخ نشان می دهد که جنگ ها مقدمه فتوحات و گسترش امپراتوری ها بوده است . هر قدر که می توانستند امپراتوری را گسترش می دادند و جایی هم که نمی توانستند ، صلح می کردند . در برهه ای از زمان ، به خصوص در مسیحیت مفهومی به نام « جنگ عادلانه » مطرح شد . بعدها این مفهوم در میان مسلمانان هم رایج شد ، به گونه ای که برای توجیه مساله جهاد همین واژه ها را به کار می بردند . اما جنگ عادلانه چه بود و چه تعریفی داشت ؟ جنگ عادلانه وسیله ای برای رسیدن به یک سری مقاصد سیاسی و ابزار تحقق آنها بود .

در قرن نوزدهم ملت های اروپایی شکل پیدا می کنند و در میان آنها جنگ هایی صورت می گیرد که در این چنگ ها باز هم مفهوم جنگ عادلانه و همین طور صلح می کند . در این برهه کسی فکر نمی کند که چه علل و عواملی باعث جنگ و صلح می شود ؛ نه جنگ به عنوان یک

ابتلا و شر مطرح است و نه صلح به عنوان یک ضرورت. اما در قرن بیستم و با پیدایش جنگ جهانی اول و دوم آشکار می شود که جنگ شر است و زندگی انسانی را تهدید می کند ، چون در این جنگ ها سلاح هایی پیدا شد که قابل مقایسه با سلاح های قرون گذشته نبود . با این وصف تقسیم جنگ عادلانه و غیر عادلانه معنای خود را از دست داد و سرنوشت همه انسان ها با صلح گره خورد .

نکته دیگر این است که پیدایش سلاح های اتمی به طور کلی قضاوت ها درباره جنگ و صلح را عوض کرد . سپس این موضوع مطرح شد که وضعیت بد دنیا نتیجه سلاح ها است و باید این سلاح ها را نابود کرد .

مقداری هم در این وادی پیشرفت حاصل شد اما در نهایت به بن بست خورد . بعد این بحث شکل گرفت که ما باید به علل پیدایش سلاح ها توجه کنیم، نابود کردن سلاح ها کافی نیست . پیدایش سلاح های اینچینی معلول و نشانه یک بیماری و نابسامانی است و تنها با از بین بردن آنها مساله حل نمی شود .

متفکران دنیا به این نتیجه رسیدند که این سیاست های غلط است که باعث پیدایش این سلاح ها می شود . بنابراین تاملات بر روی این متمرکز شد که سیاست های انسانی و سیاست های غیرانسانی چیست . عاقبت به این نتیجه رسیدند که هر قدر همکاری میان ملت ها برآینجام وظایف مربوط به حل کردن مسائل و مشکلات زندگی بشر در دنیای امروز بیشتر شود به همان اندازه نیاز به سلاح کمتر می شود .

اینجا منظور دیدگاه های اخلاقی و یا احساسی نیست ، بلکه این پرسش مطرح است که چگونه می توان با تحلیل های عقلانی انسان ها را قانع کرد که همکاری بین المللی برای تحقق صلح ضرورت دارد و اگر این توافق در عرصه بین المللی محقق نشود مطمئنا مسابقه تسلیحاتی و تهدیدهای متقابل ره به جایی نمی برد و پندهای اخلاقی هم به جایی نخواهد رسید .

## تعارف و مفاهیم

حقوق بین الملل « International law » مجموعه قواعد لازم الاجرائی که ناشی از روابط بین الملل و تنظیم کننده مناسبات میان اعضای جامعه بین المللی است.<sup>۱</sup> که هدف از وضع آن «ها تأمین آسایش همه ملل جهان می باشد.<sup>۲</sup> اصطلاح حقوق بین الملل ، اقتباس و ترجمه کلمه لاتین jusgenfium ( حقوق ملل ) است که در ضمن اینکه مربوط به روابط میان کشورها در زمینه های خصوصی و عمومی بود ، در عین حال بیگانگان را نیز در پی م یگرفت و در مقابلش civile jus ( حقوق مخصوص اتباع رومی ) قرار داشت .<sup>۳</sup> اوپنهام حقوق بین الملل را حقوق ملت ها می نامید .برای اولین بار در سال ۱۷۸۰ جرمی بنتام ، اصطلاح International law را به کار برد.<sup>۴</sup>

جامعه بین الملل اجتماعی است که در اساس از همکاری و همبستگی مبتنی بر منافع مشترک و نیازهای متقابل کشور به وجود آمده است . این جامعه از لحاظ جغرافیایی ، واحد و جهانی و از نظر اجتماعی ، متفاوت و از جهت حقوقی ، مساوی است .<sup>۵</sup>

## خصوصیات حقوق بین الملل

### ۱. قانونگذار

---

<sup>۱</sup> . محمدرضا ؛ ضیائی بیگدلی، حقوق بین الملل عمومی ف تهران ، کتابخانه گنج دانش ، ۱۳۸۳ ، چاپ بیستم، ص ۷ .  
<sup>۲</sup> . محمدکاظم ؛ عماد زاده ، حقوق بین الملل عمومی ، تهران ، انتشارات آتا ، ۱۳۷۰ ، چاپ دوم ، ص ۱۷ .  
<sup>۳</sup> . محمد رضا ، ضیائی بیگدلی، پیشین ، ص ۸ .  
<sup>۴</sup> . محمد ؛ عالیخانی ، حقوق بین الملل ، تهران ، خط سوم ، ۱۳۸۷ ، چاپ اول ، ص ۶۰ .  
<sup>۵</sup> . رضا ؛ موسی زاده، کلیات حقوق بین الملل عمومی، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶ چاپ اول، جلد اول، ص ۷ .

قواعد حقوق بین الملل بر خلاف قواعد داخلی که به وسیله قوه مقننه در داخل یک کشور وضع می گردد ، توسط قانونگذار بین المللی تنظیم نمی شود بلکه خود کشورها خالق و مجری آن می باشد .

## ۲. ضمانت اجرا ؛

مقررات این حقوق به علت فقدان یک قوه مجریه فوق کشورها ، ضمانت اجرای چندان موثر ندارد .

## ۳. دخالت قضات ؛

دخالت قاضی در حل و فصل دعاوی منوط به توافق و رضایت اصحاب دعوا است .<sup>۶</sup>

## عوامل ایجاد و تحول قواعد

### ۱- عامل تاریخی ؛

تاریخ تحول حقوق بین الملل نشان می دهد این حقوق در قرن ۱۶ با پیدایش دول مستقل که تازه از قید تسلط پاپ و امپراطور رهایی یافته بودند ، به وجود آمد و در آغاز تشکیل تحت تأثیر قواعد حقوقی موجود ( حقوق داخلی ممالک اروپائی و حقوق رم ) قرار گرفت .

### ۲- عامل جغرافیائی ؛

بسیاری از عقاید جغرافی دانان مشهور تأثیر زیادی در ایجاد و تکامل بعضی از قواعد حقوقی بین الملل داشته است چنانکه در حقوق بین الملل دریائی اختلاف اوضاع جغرافیائی ممالک مختلف موجب تغییر حد آبهای ساحلی شده است .

### ۳- عامل سیاسی ؛

---

<sup>۶</sup> . محمد کاظم ؛ عمادزاده ، پیشین ، ص ۱۸ .

حقوق بین الملل تحت تأثیر شدید حوادث سیاسی است که در نتیجه آشکار این تأثیر عدم رعایت قواعد حقوق بین الملل از طرف بعضی از دول جهان و انحراف از اصول حقوقی به علت ملاحظات سیاسی می باشد .

#### ۴- عامل علمی و فنی ؛

امروزه ترقیات حیرت انگیزی که در زمینه علم و صنعت نصیب بشر شده است بر حقوق بین الملل تأثیر زیادی گذاشته است مانند اختراع هواپیما و یا انرژی اتمی .<sup>۷</sup>

#### قلمرو حقوق بین الملل

اوپنهام قائل به ۳ نوع حقوق بین الملل است .

#### ۱- حقوق بین الملل جهانی ؛

این حقوق شامل قواعدی است که رعایت آنها برای همه دول متمدن بدون استثنا لازم است مانند منع بردگی - اصل تمامیت ارضی کشورها .

#### ۲- حقوق بین الملل عام ؛

شامل قواعدی است که رعایت آن برای تعداد بسیاری از کشورها از جمله قدرت های بزرگ الزامی است مانند قواعد مقابله نامه های ۱۹۴۹ ژنو راجع به رفتار با اسیران و زندانیان زمان جنگ

#### ۳- حقوق بین الملل خاص ؛

قواعدی بین دو یا چند کشور در یک منطقه خاص جاری می شود که البته نباید مغایر قواعد جهانی باشد .

#### مبانی حقوق بین الملل

---

<sup>۷</sup> . محمد ؛ صفدری ، حقوق بین الملل عمومی ، تهران ، انتشارات دانشگاه تهران ، ۱۳۴۰ ، چاپ اول، جلد اول، ص ۲۳

در دکترین کلاسیک دو جریان فکری مختلف در ارتباط با اساس و مبنای حقوق بین الملل مطرح شده است :

#### ۱- مکتب حقوق وضعی

بر این اساس ، حقوق بین الملل بر اراده کشورها استوار است . موزر از طرفداران از طرفداران این مکتب است .

#### ۲- مکتب حقوق طبیعی<sup>۸</sup>؛

مبنای حقوق بین الملل خارج از اراده بشری و مستقل از اراده دولت هاست . ویتوریا طرفدار این مکتب است که مجموعه قواعدی است که عقل طبیعی بین ملت ها برقرار کرده و بر آنها تحمیل می کند.<sup>۹</sup>

### اقسام حقوق بین الملل

#### ۱- حقوق بین الملل عمومی

حقوقی است که عمدتاً تنظیم کننده روابط میان کشورها و سازمان های بین المللی است .

#### ۲- حقوق بین الملل خصوصی ؛

حقوقی می باشد که صرفاً روابط میان اشخاص حقیقی یا حقوقی خصوصی را قانونمند می کند

### تدوین حقوق بین الملل

تدوین عبارت است از تبدیل قواعد و مقررات عرفی به قواعد نوشته با هدف وحدت جوامع بشریت و ایجاد وحدت حقوقی می باشد .<sup>۱۰</sup> هوگو گروسیوی حقوقدان معروف هلندی که پدر حقوق بین الملل لقب گرفته است اولین کسی است که قواعد حقوق بین الملل را جمع آوری و تنظیم نمود و در سال ۱۶۲۵ در کتاب خود به نام جنگ و صلح منتشر کرد . کار تدوین قواعد

<sup>۸</sup> . رضا ؛ موسی زاده ، پیشین ، ص ۱۲ .

<sup>۹</sup> . خلیلی ، محمد حسین ؛ حقوق بین الملل ، انتشارات پازنگ ، ۱۳۷۷ ، چاپ اول ، ص ۱۲ .

<sup>۱۰</sup> . محمدحسین ؛ خلیلی ، حقوق بین الملل ، تهران ، انتشارات پازنگ ، ۱۳۷۷ ، چاپ اول ، ص ۱۲ .

عرفی حقوق بین الملل در حواله قرن ۱۹ و آغاز قرن ۲۰ به طور پراکنده و سطحی با کنفرانس های لاهه ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ دنبال شد .

پس از جنگ جهانی اول ، نخست جامعه ملل کار تدوین را به عهده گرفت ولی اقداماتش با شکست مواجه گردید . پس از آن زمان سازمان ملل به اقدامات جامعه ملل نیرویی تازه داد و تدوین حقوق را یکی از اهداف اصلی سازمان دانست و از این رو صراحتاً در این باره به مجمع عمومی صلاحیت داده شده است که این مجمع در سال ۱۹۴۸ کمیسیون حقوق بین الملل را تشکیل داد که گام های موثری در تدوین حقوق بین الملل برداشته است .<sup>۱۱</sup>

### رابطه حقوق بین الملل با حقوق داخلی

اصولاً موضع حقوقی هر کشور را در عرصه بین المللی فقط می توان از طریق مطالعه و بررسی حقوق داخلی آن درک و کشف نمود که این حقوق نقش مهمی در ایجاد رویه بین المللی و عرف بین المللی دارند .<sup>۱۲</sup>

### تابعین حقوق بین الملل

تابع موجودیتی است که به طور مستقیم از حقوق و تکالیف شناخته شده در نظام حقوقی بین الملل برخوردار شده است .

واژه تابع (subject) هم معنای فاعلی و هم مفعولی می دهد و در نتیجه از دید حقوقی ، تابع حقوق یعنی شخصی که هم واضع قواعد حقیقی و هم دریافت کننده آن قواعد است . امروزه این تابعین در حقوق بین الملل در درجه اول کشورها ( state ) و در درجه دوم سازمان های بین المللی دولتی هستند .<sup>۱۳</sup>

جامعه بین المللی مرکب از کشورها که تنها تابعین والای حقوق بین الملل هستند می باشند .<sup>۱۴</sup>

<sup>۱۱</sup> محمدکاظم ؛ عماد زاده ، پیشین ، ص ۷۰ .

<sup>۱۲</sup> محمدرضا ؛ ضیائی بیگدلی ، پیشین ، ص ۷۰ .

<sup>۱۳</sup> ایان غ برانلی ، حقوق بین الملل در واپسین سالهای قرن بیستم ، ترجمه صالح رضایی ، انتشارات وزارت امور خارجه ، ۱۳۸۳ ، چاپ اول ، ص ۴۶ .

<sup>۱۴</sup> محمد ؛ عالیخانی ، پیشین ، ص ۱۰۸ .

در خصوص سازمان های بین الملل دولتی ( International organization ) می توان این سازمان ها را به جهانی و منطقه ای تقسیم نمود

۱- سازمان های بین الدولی جهانی ؛

سازمان هایی هستند که به منظور در برگرفتن کلیه کشورهای جهان به وجود آمده اند . از جمله این سازمان ها سازمان ملل متحد است .

۲- سازمان ها بین ادولی منطقه ای ؛

ا. سازمان های اروپایی مانند شورای اروپا ؛

ب. سازمان های امریکائی مانند سازمان کشورهای امریکائی ؛

ت. سازمان های آسیایی و آفریقایی مانند اتحادیه عرب ؛

تابعین دیگری نیز در حقوق بین الملل وجود دارد که صرفاً دریافت کننده قواعد حقوق بین الملل می باشند مانند : اشخاص حقیقی ، شخصیت های آزادی بخش و ngo<sup>۱۵</sup>

### منابع حقوق بین الملل

منابع این حقوق طبق ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری به ۲ گروه منابع اصلی و فرعی تقسیم می گردد.

۱- منابع اصلی :

الف ( معاهده ( treaty ) ؛

معاهدات که در حقوق بین الملل از اهمیت بسزایی برخوردارند<sup>۱۶</sup> قراردادهائی هستند که بین دو یا چند تبعه حقوق بین الملل منعقد شده تا بعضی آثار حقوقی تولید نمایند چه در یک سند واحد و یا دو یا چند سند متصل به هم آورده شده باشند .

<sup>۱۵</sup> رضا ؛ موسی زاده ، پیشین ، ص ۹۰ و ۱۲۴ .



ب) عرف

عرف، رویه و عملکرد عامی است که به عنوان حقوق پذیرفته شده است و از ویژگی های آن می توان به سابقه دار بودن، الزام آور و تحول پذیری اشاره نمود.

ج) اصول کلی حقوقی

این اصول به عنوان یک منبع مستقل حقوق بین الملل به شمار می آید که دارای انواعی است.

۱- اصول مشترک با نظم حقوقی داخلی؛

اصولی که از حقوق داخلی کشورها گرفته شده و مورد قبول تمام ملل است مانند اصل وفای

به عهد

۲- اصول اختصاصی؛

که قابل اجرا در روابط فی ما بین کشورها را دارد. از جمله این اصول می توان به اصل

احترام به استقلال کشورها نام برد.<sup>۱۷</sup>

۲- منابع فرعی

الف) ذویه قضائی؛

یکی از قوی ترین منابع فرعی، آرای محاکم بین المللی می باشد اما باید توجه داشت که هیچ

یک از محاکم بین المللی مثل دیوان دادگستری ملزم به استفاده از آرای قبلی خود یا دیگر

مراجع نیستند.<sup>۱۸</sup>

ب) دکترین؛

آراء و نظرات علمی متبحرترین حقوق دانان بین المللی که در کتب حقوق بین الملل آمده است

<sup>۱۶</sup> مایکل؛ آکهرست، کلیات نوین حقوق بین الملل، ترجمه دکتر سهراب داراب پور، تهران، انتشارات جهان معاصر، ۱۳۷۲، چاپ اول، ص ۵۰.

<sup>۱۷</sup> محمدکاظم؛ عمادزاده، پیشین، ص ۲۶ و ۸۳.

<sup>۱۸</sup> حسین؛ ثریانی، حقوق بین الملل عمومی، تهران، نشر قومی، ۱۳۸۲، چاپ اول، ص ۶۶.

ج) انصاف ؛

به شرط توافق دولت های دعوی درباره اجرای انصاف ، قاضی دادگاه می تواند استناد کند .  
انصاف مکمل حقوق بین الملل در صورت عدم کفایت یا سکوت آن می باشد .<sup>۱۹</sup>  
پیش شرط صلح اخلاق در روابط سیاسی ( از منظر ایمانوئل کانت )  
به عقیده کانت اگر واقعا نظر به صلح باشد ، در روابط سیاسی نیز اخلاق باید حکم شود و  
شرافت و درستی عمل مراعات گردد ، همانطوری که در روابط خصوصی چنین است .  
ولی از آنجاکه هیچ حقوق خصوصی نمی تواند رابطه میان مللرا تنظیم نماید ، پس صلح میان  
دول نمی تواند پایدار بماند ، مگر این که حداقل مبتنی بر حقوق عمومی محکم بنیان گیرد . به  
هر ترتیب برقراری یک نظام حقوقی مبتنی بر اخلاق ، از شرایط انکارناپذیر تحقق صلح پایدار  
است و آن البته علت لازم است بدون این که کافی باشد .

ایمانوئل کانت را همراه با هگل ، بزرگترین فیلسوفان تجدد دانسته اند . پس از گذشت ۲ قرن  
از مرگ کانت ، اندیشه او هنوز دستمایه تامل در مهمترین مسائل مدرنیته است .  
اگر ستیز و گریز از اولین نشانه های صیانت ذات و انطباق با محیط طبیعی است ، با این حال  
، به نظر نمی رسد که به هیچ وجه ستیز و جنگ و گریز رابا صلح به معانی که این دو مفهوم  
به مرور در سیر تاریخ اجتماعی و سیاسی بشر پیدا کرده ، بتوان یکسان دانست .  
ستیز و گریز به اندازه زمان پیدایش حیات بر روی کره خاکی قدمت دارد ، در صورتی که  
مفاهیم جنگ و صلح ، حتی اگر عمر آنها را به اندازه تاریخ مکتوب بسر ندانیم کاملا جدید می  
نمایند و از لحاظی جنبه اکتساب دارند و نه طبیعی . جنگ در میان گروه های اجتماعی  
سازمان یافته و به نحو اخص میان دول نظام مند و هدفمند ، واجد تشکیلات ارتشی مجهز و با  
افراد تعلیم دیده انجام می گیرد ، همچنان که صلح نیز یا طبق رضایت متقابل و یا صرفا به نحو  
تحمیلی ، بر اساس معاهده های حساب شده مدون و منعقد می گیرد .

<sup>۱۹</sup> محمدرضا ، ضیائی بیگدلی ؛ پیشین ، ص ۱۵۸ .

افزون بر این اگر ستیز و گریز - در حد حیات حیوانی - تاریخ ندارد و به نحو مفهومی تحول ناپذیر است ، برعکس در نزد انسان تاریخی مفاهیم جنگ و صلح در سیر زمان و با پیشرفت سریع صنایع و نحوه زندگانی متحول می شود و رسوم و عادات نه فقط به صورت ابداع در اثر انتقال و اقتباس از قومی به قوم دیگر می رسد و همچنین بر اساس عوامل بسیار دیگر فرهنگی و اقتصادی تغییر می یابند و حتی ضوابط و نحوه متمایز سازی دوجنگ و صلح نیز عوض میشود . مثلاً در نیم قرن اخیر - شاید برای اولین بار تاریخ بشری - از جنگ سرد صحبت شده که در واقع منظور جنگ همراه با نوعی صلح موقت بوده است و اگر دقت کنیم - بدون اینکه به صراحت گفته شود - امروز نیز اغلب از صلحی صحبت شود که دائماً با جنگ های ظاهراً موقت است .

البته از طرف دیگر به نظر می رسد که این دو مفهوم - مثل همه مفاهیم متضاد - تا حدودی همدیگر را میطلبند و در انعکاس در یکدیگر معنی پیدا می کنند .

یکی از اقوال مشهور رومی این بوده است که *si vis pacem para bellum* ، یعنی ، اگر صلح می خواهی ، جنگ را آماده کن . به هر طریق باید دانست که گرایش کلی تفکر در دوره باستان و در قرون وسطی ، به نحوی تجلیل از جنگ بوده است و در دوره های پهلوانی چه در حماسه های یونانی و رومی و چه در حماسه ایرانی فردوسی ف جنگ ، محک تشخیص صلابت و شجاعت مردان به شمار می رفته است و در قرون وسطی جنگ های صلیبی مقدس نامیده میشده اند . البته مفهوم صلح در عصر جدید و خاصه بعد از قرن هفدهم میلادی مورد توجه واقع شده و به مرور یکی از موضوع های اصلی مورد بحث در فلسفه درآمده است . از این دوره به بعد ادعا بر این بوده که « عقل بهرت از هر چیز دیگر در میان مردم تقسیم شده است » و این عقل اعم از این که آن را مثل دکارت فطری بدانیم و یا مثل منورالفکران قرن

هیجدهم آن را صرفا اکتسابی تلقی کنیم - ما را وادار می کند که ارزش صلح را بشناسیم و از جنگ احتراز بورزیم .

منظور البته بر کنار نهادن کل جنگ ها نیست ، بلکه باید اشاره به این نکته کرد که در کاب های فلسفی و خاصه حقوقی ، دیگر فقط از جنگ به عنوان یک حق Jus Belli صحبت نمی کنند ، بلکه از « حق جنگ و صلح » با هم سخن می گویند ، تا هز چه بیشتر از جنگ ممانعت کنند و بر امکان برقراری صلح بیفزایند .

بارزترین مصداق این جریان را در اثر معروف « گروتیس » می توان دید که به سال ۱۶۲۵ کتاب معروف خود را تحت عنوان «درباره جنگ و صلح /م منتشر کرده است . از آن تاریخ به بعد ضمن اینکه نویسندگان زیادی با ادعای تجدد و منورالفکری بیش از پیش نه فقط زشتی ها بلکه کاملا جنبه عبث جنگها را توصیف و افشاگری کرده اند ( مثلا در داستان های ولتر فرانسوی ) ، گروه دیگری هم مستقیما درباره صلح و امکان برقراری و پایداری آن ، آثاری را منتشر کرده اند که به ترتیب تاریخی می توان « سن پی یر » فرانسوس را نام برد که به سال ۱۸۱۳ رساله « صلح پایدار » خود را منتشر کرده است .

بسیار افراد دیگری نیز خاصه حقوقدانانی چون «واتل» سوییسی که او هم از بنیانگذاران حقوق بین المللی است و یا مورخان فرانسوی چون «رینال» ( کتابی درباره استعمار در هندوستان دارد ) و « وانی » و یا رمان نویس فرانسوی چون « مرسیه » (سیاستین ) ، که قسمت های زیادی از فصول مختلف آثار خود را به این نوع بحث ها اختصاص داده اند . از این لحاظ به نظر می رسد که کانت کاملا به آرمان های قرن هیجدهم و به عقاید بعضی از افرادی که نام بردیک خاصه « سن پی یر » پایبند بوده است و به دنبال آنها در چارچوب فلسفه نقادی و روش استعلالی خود به بحث در زمینه « صلح پایدار» پرداخته است .